

13. M.-L. Chaumont, "Argbed," *Encyclopædia Iranica* 2, no. 4 (1986): pp. 400-401; E. Winter, *Die sāsānidisch-römischen Friedensverträge*, op. cit., p. 167.

14. J.-B. Chabot, *Synodicon orientale ou recueil de synodes nestoriens: d'après le MS syriaque 332 de la Bibliothèque Nationale et le MS K. VI, 4 du musée Borgia, à Rome*, Notices et Extraits des Manuscrits de la Bibliothèque Nationale et autres Bibliothèques, vol. 37 (Paris, 1902), p. 21, lines 21-22; Chaumont, "Recherches," op. cit., p. 16; J. Labourt, "Le christianisme dans l'Empire perse," *Revue d'Histoire et de littérature religieuse* 7 (1902): p. 97.

15. M.-L. Chaumont, "Chiliarque et curopalate à la cour des Sassanides," *Iranica Antiqua* 10 (1973): pp. 147-152; *idem*, "Recherches," op. cit., pp. 16-17; Ph. Gignoux, "Chiliarch," *Encyclopædia Iranica* 5, no. 4 (1991): p. 423.

توج دريانی*

نگاهی به بدعتگرایی در دوره ساسانی

ساسانیان از آغاز حکومت خود به وحدت دین و دولت کوشیدند و با استفاده از احکام دین زرتشتی قدرت حکومت خود را استوار کردند. لزوم وحدت و پیوند دین و دولت در بسیاری از متون بازمانده از دوران شاهنشاهی ساسانیان به چشم می‌خورد و آنرا می‌توان جزو روندی دانست که در قرون وسطی در آسیا و اروپا ریشه گرفت. در امپراطوری روم شرقی (بیزانس) نیز یک قرن بعد از شروع حکومت ساسانیان یک شاخه از مذهب مسیحی دین رسمی آن دولت گشت و مذهب پایه اصلی هویت این امپراطوری گردید.^۱

برای اردشیر بابکان بنیان گذار سلسله ساسانی پیوند دین و دولت سهل بود زیرا خانواده او نگهبان آتشکده آناهیتا در شهر استخر بودند و خود نیز از آتشکده سر برآورده بود و در نتیجه توانست پس از غلبه بر پارت ها آئین های گوناگون دین زردشتی را بازسازی کند و مقام شاه را در رأس آن قرار دهد.^۲ آنان که به مخالفت با این عمل برخاستند یا به راه آورده شدند یا به کیفر رسیدند.

* دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتن.

باید توجه داشت دینی که در متون پهلوی از آن سخن می رود با کمک موبدانی مانند کرتیر بنا شده بود و شاهنشاه که «چهره از یزدان» داشت به عنوان شخصیتی روحانی از آن پاسداری می کرد. سؤال اینجاست که این دین برای چه کسانی دین "درست" زرتشتی بشمار می رفته، و آیا می توان مذهب زرتشتی را در دوران پارتیان و در زمان ساسانیان، یا پس از فروپاشی آن دولت، دینی واحد با تعالیم یکسان دید؟ پاسخ آشکارا منفی است. چه، اگر مذهب زرتشتی فقط آن بود که دربار و دولت ساسانی اشاعه می داد نمی توانست تا چند قرن پس از فرو ریختن آن دولت پایدار بماند. در حالی که آنچه کتب پهلوی بر آن تأکید می کنند همبستگی دین و دولت است و اینکه نابودی این یک به از بین رفتن آن دیگری می انجامد.

با نگاهی دقیق تر به متون دینی زردشتی به زبان پهلوی در می یابیم که در زمان شاهنشاهی ساسانی این دین کاملاً در انحصار دولت نبوده است. در واقع، فرقه های گوناگون دینی نیز برای بدست آوردن قدرت به جنگ و جدل های فکری دست زدند و برخی از آنان متهم به بدعت شدند. حقیقت آن است که دولت ساسانی هیچ گاه نتوانست فرقه خاصی از مذهب را بر همه مردم تحمیل کند و از همین رو این مذهب در میان عامه به شکل های گوناگون عرفانی، عامیانه و یا نوع سلطنتی آن پدیدار شد.^۱ بدعت از همان آغاز گریبانگیر ساسانیان بود زیرا آنها با به خدمت گرفتن احکام دین زرتشتی در حکومت و ربط دادن فقط یک فرقه از این دین به دولت و سعی در اشاعه این فرقه از مذهب خود بدعتگرا محسوب می شدند. آنچه در کتاب دینکرد درباره رابطه دین و دولت آمده است در متون متأخر دیگر هم یافت می شود. مسعودی در «کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر نصیحت اردشیر به پسرش را چنین نقل می کند:

پسر من، دین و شاهی قرین یکدیگرند و یکی از دیگری بی نیاز نیست. دین اساس ملک است و ملک نگهبان دین.^۲

فردوسی نیز همین نکته را در اندرز اردشیر به پسر خود آورده است:

چو بر دین کند شهریار آفرین برادر شود شهریاری و دین
نه بی تخت شاهست دینی بیای نه بی دین بود شهریاری بجای
دو دیباست یک در دگر بافته برآورده پیش خرد تافته
نه از پادشا بی نیازست دین نه بی دین بود شاه را آفرین^۳

نامه تنسر، موبد دربار اردشیر، نیز بر توأمان بودن دین و دولت سخت تأکید می کند.^۴

آن شاخه از دین زردشتی که کرتیر، موبد قرن سوم میلادی، آنرا در دوران ساسانیان بنیان نهاد و دین رسمی کشور کرد ممکن است به این دلیل بدعتگر محسوب شده باشد که برای استقرار خود از نیروی نظامی بهره جست. به اعتقاد مسعودی نیز اردشیر به این گناه متهم بود که، به مقتضای وضع آن روزگار، در دین نوآوری کرده و سنتی آورده که به دوران ملوک سابق نبوده است.^۵ به کیفر رساندن بدعتگران نیز برای آن بود که تنها یک دین "راستین" برجای ماند.^۶ کرتیر در کتیبه خود به ضرورت مجازات بدعتگران و تحمیل فرقه ای خاص از کیش زرتشتی آشکارا اشاره می کند:

من دین مزدیسنا و مغ مرد خوب را در کشور بزرگ داشتم و اشموغ های [بدعتگران] ویران گر را که در مغان دین مزدیسنا و تشریفات پرستش ایزدان را آنچهان که [من] شرح داده ام رعایت نکردند، کیفر دادم تا به خود آیند.

این قسمت از سنگنبشته کرتیر داده های مهمی درباره اوضاع دین زرتشتی به دست می دهد از جمله این که کرتیر کوشیده است تا بر مغان ها یا مدارس مغان تسلط یابد و آیین خود را، که برای گروهی بدعتگری به شمار می رفته، به آنها تحمیل کند. به این ترتیب، ظاهراً مغانی بوده اند که با او بر سر آیین و مراسمی خاص موافق نبوده اند و در نتیجه "اشموغ" یا بدعتگر نامیده می شدند. به احتمالی، این تفاوت فقط بر سر آیین و مراسم مذهبی نبوده است زیرا بر اساس کتاب چهارم دینکرد، در دوران سلطنت اردشیر اول از میان متون اوستایی که گردآوری شده تنها تعدادی محدود به عنوان متون رسمی یا درست شناخته می شد.^۷ اما کرتیر نیز نتوانست به بدعتگری پایان بخشد، چه، به استناد همین کتاب، شاهپور دوم در قرن چهارم میلادی موبد بزرگ دیگری، به نام آذرباد مارسپندان، را مامور کرد که شک و بدعتگری را از میان ببرد. ارداویرافنامه نیز حاوی نکات مهمی در باره باور ساسانیان نسبت به دین زرتشتی و اختلاف آرا در باره آن، به ویژه پس از حمله اسکندر به ایران است.^۸ برپایه کتاب دینکرد در زمان خسرو انوشیروان نیز برای مقابله با هر نوع بدعت و نوگرایی در دین کوشش بسیار صورت گرفت.^۹ اختلاف بدعتگران با مغان ساسانی تنها به آئین های مذهبی و نحوه اجرای آن محدود نبود و به برخی از اصول کیش زرتشتی نیز تشریح داشت.^{۱۰}

به احتمال بسیار سرچشمهٔ اختلاف آرا مغان و موبدان تفاوت میان متون و تفاسیر گوناگون *اوستا* بوده است گرچه به درستی معلوم نیست که این کتاب در چه قرنی از دوران شاهنشاهی ساسانی نوشته شده. برخی معتقدند دین دبیره یا خط اوستایی در قرن چهارم، در دوران سلطنت شاهپور دوم، پدیدار شده و برخی دیگر قرن ششم، زمان سلطنت خسرو انوشیروان، را تاریخ درست می‌شمرند. اما، بسیاری از محققان، از جمله روانشاد دکتر احمد تفضلی، بر این باور بوده‌اند که احتمال داشته *اوستا* در قرن چهارم میلادی به کتابت درآمده و در قرن ششم میلادی تدوین نهایی یافته باشد.^{۱۳} پس احتمال دارد در بسیاری از متون منظور از دانستن اوستا یعنی حفظ آن بوده، اما سؤال اینجا است که آیا در آن زمان موبدان زرتشتی خود زبان اوستایی را بخوبی می‌دانستند یا از ترجمه و تفسیر *اوستا* (زند) به زبان پهلوی سود می‌جستند و آیا نمی‌توان تصور کرد که در آن زبان بیش از یک زند وجود داشته و هریک از موبدان به تفسیرهای متفاوت از تفسیرهای دیگران دسترسی داشته‌اند؟

در کتب پهلوی مکرر به نام‌های مفسرین *اوستا* مانند اَبَرگ، نیوگشنسپ، و روشن برمی‌خوریم که در بارهٔ اصول مذهب زرتشت آراء گوناگون عرضه داشته‌اند اما از آنجا که این گروه از مفسران مقرب دربار ساسانی بوده‌اند از آراء متفاوت آنها به نیکی یاد شده است ولی دیگر مفسرانی که اعتقادات مذهبی آنان مورد پذیرش دولت ساسانی نبوده، از آن جمله سین و مزدک، مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. تفسیرهای این موبدان چنان با تفسیرهای دیگران تفاوت داشت که آنها را زندیق به معنی منفی می‌نامیدند. مزدک، که خود را درست دین خطاب می‌کرد، از دین زرتشت تفسیری متفاوت با تفاسیر دیگر داشت که سرانجام به اغتشاشات بزرگ اجتماعی و مذهبی انجامید. از همین رو در برخی از متون پهلوی آموختن *اوستا* و زند به بدعتگران منع شد.^{۱۴}

پانویست‌ها:

۱. دربارهٔ ارتباط دین و پادشاهی ن. ک. به:

D. M. Madan, *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*, Bombay, 1911, pp. 1-11.

۲. شیخین بیانی، *شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان*، تهران، انتشارات دانشگاه ۲۵۳۵، صص

۴۴-۴۵.

۳. ن. ک. به:

P. J. de Menasce, "L'Église Mazdéenne dans l'empire Sassanides," *Cahiers d'histoire mondiale*, Vol.

2, 1995, P. 560.

۴. مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۲۴۴، ص

۲۴۳.

۵. *شاهنامه فردوسی*، مسکو، ۱۹۶۷، جلد ۷، صص ۵۶۱-۵۵۸.

۶. *نامه تنسره به گئوسب*، به تصحیح مجتبی میثوی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴، ص ۵۳.

۷. مسعودی، *التنبیه والارشاف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۴۹، ص ۹۳.

۸. ن. ک. به: P. 560. "L'Église Mazdéenne..." Menasce,

۹. ن. ک. به:

M. Shaki, "The Dēnkard Account of the History of Zoroastrian Scriptures," *Archive Orientalni*, Vol. 49, 1981, P. 119.

۱۰. ن. ک. به:

F. Vahman, *Ardā virāz Nāmag, The Iranian 'Divina Commedia'*, Scandinavian Institute of Asian Studies Monograph Series, No. 53, Curzon Press, 1986, PP. 78-79 and 191.

همچنین ن. ک. به: *اردویرافنامه، حرف نویسی، آوانویسی، ترجمه متن پهلوی*، واژه‌نامه توسط فیلیپ ژینیر،

ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران، شرکت انتشارات معین، انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۷۲، صص

۴۱-۵۲.

۱۱. ن. ک. به: P. 120-121. "The Denkard," M. Shaki,

۱۲. ن. ک. به:

Sh. Shaked, *Wisdom of the Sassanian Sages*, Boulder, Colorado, Westview Press, 1979, PP. 24-25, 90-91.

۱۳. احمد تفضلی، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶، ص ۷۱.

۱۴. ن. ک. به: P. 156-157. "Wisdom," Sh. Shaked,

ایران نامه

مجله تحقیقات ایران‌شناسی
از انتشارات بنیاد مطالعات ایران

گروه مشاوران:

دبیران دوره هفدهم:

گیتی آذربئی
احمد اشرف
غلامرضا افخمی
علی بنوعزیزی
سیمین بهبهانی
هاشم پسران
پیتر چلکوسکی
ریچارد ن. فرای

راجر م. سیوری
بازار صابر
احمد کریمی حکاک
فرهاد کاظمی
ژیلبر لازار
سیدحسین نصر
ویلیام ل. هنری

شاهرخ مسکوب
فریدون وهمن
رامین جهانیکلو
نقد و بررسی کتاب:
سید ولی‌رضانصر
علی قیصری
مدیر:
هرمز حکمت

بنیاد مطالعات ایران که در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱ م) بر طبق قوانین ایالت نیویورک تشکیل شده و به ثبت رسیده، مؤسسه‌ای است غیرانتفاعی و غیرسیاسی برای پژوهش درباره میراث فرهنگی و شناساندن جلوه‌های عالی هنر، ادب، تاریخ و تمدن ایران. این بنیاد مشمول قوانین «معافیت مالیاتی» ایالات متحده آمریکا است.

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران نامه» با ذکر مأخذ مجازست. برای تجدید چاپ تمام یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

نامه‌ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

Editor, Iran Nameh

4343 Montgomery Ave., Suite 200

Bethesda, MD 20814, U.S.A.

تلفن: ۱۹۹۰-۶۵۷ (۳۰۱)

فکس: ۱۹۸۳-۶۵۷ (۳۰۱)

بهای اشتراك

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۴۰ دلار، دانشجویی ۲۵ دلار، موسسات ۷۰ دلار

برای سایر کشورها هزینه پست به شرح زیر افزوده می‌شود:

با پست عادی ۶/۸۰ دلار

با پست هوایی: کانادا ۱۲ دلار، اروپا ۲۲ دلار، آسیا و آفریقا ۲۹/۵ دلار

تک شماره ۱۲ دلار

ایران نامه

سال هفدهم، تابستان ۱۳۷۸

فهرست

- ۱۷۵ پیشگفتار:
مقاله‌ها:
- ۱۸۵ احسان یارشاطر
۲۱۵ فریدون وهمن
۲۲۹ شاهرخ مسکوب
۲۳۹ محمود امیدسالار
۲۵۳ مهناز معظمی
۲۶۱ ح. برجیان محمدی
- سروری بر تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران پیش از اسلام
در علل ناپایداری آئین مانوی
«ز مادر همه مرگ را زاده ایم»
در معنای «دفترنامه پهلوی» در شاهنامه
دنیای حیوانات در ایران باستان
سلم و تور و ایرج: بن مایه و پیرایه‌ها
- گذری و نظری:
نظری در باره هویت مادر سیاوش
ملاحظات در باره شاهنامه
منصب «هرگبد» در دوره ساسانی
نگاهی به بدعت گزائی در دوران ساسانی
- گزیده:
«اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی»، «کتیبه داریوش»
«جفای سالیان»
- نقد و بررسی کتاب:
تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (احمد تفضلی)
کتاب التاجی (ابواسحق ابراهیم بن هلال الصابی)
کارنامه علمی احمد تفضلی
کتاب‌ها و نشریات رسیده
خلاصه مقاله‌ها به زبان انگلیسی